

File/No.

1856-57.

Collection No. 9

MUTINY PAPERS

Pros.
Serial Nos.

Files of SIRĀJUL AKHBĀR

Vol. 12 ; no. 38 ; December 6, 1856.

Subject

News about The Moghul Court at Delhi.

Foll. 4 ; Size 12" x 7 $\frac{3}{4}$ ". (Printed).

Previous References.

Later References.

نمبر ۳۸

سراج الاخبار

جلد دوم

شعبان ماه ششم سنه ۱۲۰۳ هجری قمری ششم ماه دهم سنه ۱۳۰۳ شمسی جمعه ۱۳ شهریور ماه ۱۳۰۳

اخبار دربار جهان در حضر طبرستان خلیفه الرحمانی فرغ خواندن
عالمشایان کورکانی حراغ دو دمان نخبه نشایان حقیقانی خلد ملک
چو قصه بهرم کرد در ایان

در آمدن تصوف همین زمان

شهریور ماه سنه ۱۲۰۳ هجری قمری ششم ماه دهم سنه ۱۳۰۳ شمسی جمعه ۱۳ شهریور ماه ۱۳۰۳

که شمشاد حق آگاه فریضه با مادر برودانموده
احرام الدوله با در را شریف تصوف
داوند کبریا حضوری ابراهیم در با شیل
معتبر الدوله با در و معین الدوله نظر رشت
دست فرزند الدوله کتبان دلا علیجان میر علی
با در و سعید الدوله و کیل سلطان فی و محمد الدوله
اسد الدوله خان و قار الدوله محمد الدوله
و دیگر ارکان زمین در دیوان خاص
رشته اند بعد بر بریقتن ارباب و که رشت
باریایان و ارجنت با در و قعدار با در
متوجه طرف بیخ اسد برای ملاحظه مکاتبات

سازنده سلاطینان گردیده و از انجا حراست
نموده داخل و گاه خاقانی شده نه نصف
النهار تکلم شمت برای میده مسامحه شده
قبله گاه ار استند با دای نامز نشین دیگر
اشغال کنشین عصر خواننده اخترین نهار
مکذشتن اداب و کورشش تو زک کباب
و دیگر مکه عقیدت تاب برخصت نوا
بعد مغرب احرام الدوله با در ررا
با در سو دند فقط

یوم کیش بنه ششم سنه ۱۳۰۳ شمسی

صبحگاهان که ضرورتی تباها از خواب
 راحت بیدار شده و فرضیه وقتی گذارده
 احترام الله و له در نفس شناس فرموده
 که شستن محراب و نیکم حاضرین در رکعت
 بعد فرما بقرانی به یوان حاضر رخسار
 غزل طبع زاد خاص زبانی نجم الدوله
 دوران کوشش حق نبوش از افند کمال
 قطعه عرضه است استسنت بعد کهنستی
 مع نقل رو بکار عدالت دیوانی بومنی
 و اصل طلا غنای مرقه خواصه چشم علی
 و خواصه قاسم علیان به عیلم و اصل
 و در قطعه اطلاعیه محبات موسوم خوشه
 بکم و مزار اعظم شاه و غزه دیوان
 بدو از خراست شکت اطلاعیه ای ابان
 فرمودند که تحریر اطلاعیه ای ابان
 بر عدل نسبت کرد و سیف الدوله
 و کیل و سلطان نقل عرضی به علی
 با بسته عالی مرتسی وجه نبوت و ظلم
 پنجاه دره و رضی تبدیل شایسته
 سبزی مندوی ملاحظه که سس سینه
 فرمان شد که حکم نامه بنام عقیدت خصم

۲ جنود لال برای رسانیدن گواهان و در بروج
 نبوت نزد و کیل نه کور عنص در راه
 بعد از آن در اصل عشرت برای
 کردینه نصف آنها هنگام لذت بخش
 باید طعام شده قبله گاه استند
 بادامی تازه بشستن و دیگر اشغال کنین
 عصر خوانده ازین تا بر تو خا خانی
 به یوان خاص افروخته محراب و نسیم
 بپر فتنه بعد بر حصی حصار در با اضرام
 الله و له بهاد را یاد فرمودند نقطه

یوم دوشنبه نهم ربيع الثانی

مجمول روزنامه فرضیه باید گذارده حرم
 الدوله بهادر را شرف نبض شناسی
 دادند بعد از آن جوه ظل الهی به یوان خاص
 تا بدیند و با بیابان ادراک و کوشش
 سجا آوردند غلام احمد خان سرحدی دیوان
 خورش حکم شد که نزد قلعه دار بهادر
 رفته بگویند که حضور حاضر شود چنانچه بار
 متصف به ولوفت حاضر شده بعد محراب و نسیم

دست بند خبر خربت مزاج اندر کسلی
 متلاان ارشادات خاص کونین بود
 ار است بعد برخص ان بهادر غزل
 طبع زاد خاص زبانی وقار الله در هاد
 داخل شکوی خسروی کرده بند و بلا خط
 دو قطعه ششم معنی مرتبه دارالانش
 اسمیتت بهادر سگی مقدمه در خلا
 بنجاه در عه اراضی شتولی و اثن سبزی و
 شنبویه بجای شیر محمد بنجالی بیاسخ و خب
 بهادر محمد و حکیم بدین ارشاد که جنو
 رار ایس سندان کورن و اولم و
 ثبوت نزه و کبل سرکار حکم نه شرف
 نفا دیانت نام گرفته بزودی نام شدا
 خواهر رسا نید و دومی مقدمه شت
 مسمی بهوراده می علیه مع فصل طلاعت
 موسومه شمس سجیل بهر خاص فرموده
 حکم اجرامی سرشته دادند بعد بند بر فنز
 اداب و کورش بهادر ان نامی نصف النهار
 به کام نیست بر و با ...
 گاه اراستند نادای نماز شبین و
 دیگر اشغال دلتشبن عصر خوانند اجری

ببرض خسروی نورک رکاب و عه
 تاب بر آید و ساعتی ملاحظه سیر کاغذ
 فرموده داخل ایوان شهر بارک
 شده شام گاه بعد مغرب چهارم
 الله وله بهادر را یاد نمواند فقط

یوم شنبه و هم بیع النما

عبادت سحر و فریضه باید و نموده خرم
 بهادر را سعادت نبض بخشد بعد
 حضا و بار اداب و کورش برخص
 شهر بار بنبار جهاندار
 اشاعت نور فرموده بدوان خاص
 و بوده غزل زمانی وقار الله وله بهادر
 شنبه زیب افزای بارگاه خاص
 کرده نه نصف النهار شکام نعمت
 برای مایه طعام کشته قبله گاه ارا
 باو امی نماز شبین و دیگر اشغال دلتشبن
 عصر خوانند شام گاه راجع به اولانند
 و دروغه خاصه عرض داشت که سامان
 روشنی و مهدی و لعانم پتر خوان

نیاز و ضم حضرت عوث الاعظم حسب
 معمول، همایوتی است حضور بر کوز
 باز در دیوان خاص جلوه اراکشته
 و ادای فایده و ضم و غره فرموده
 بعد بلاخطه سیرالشک با نرسی و روشن
 بهم گمانی نظارت خان و کلبان و الدار علیجا
 داخل کاشانه اقبال کرده نذ و طعام
 ساز و دسترخوان تقرب باز در دم
 حضرت عوث التفیلین بجهت خدمت محل
 و فرزند ان ماه او را راکین ذبی کفا
 مرحمت نمودند بعد حکمت بنایه شرف
 بنص شناسی دریافت فقط ...

یوم چهارشنبه یازدهم

ساعت دوازدهم وقتی مودانم
 سعادت بنص شناسی احترام الله
 بهادر استعدا صفته بعرض
 حضور اراکین بند تکلیف بود
 حاصل انروز کشته اداس و کوسر
 باریابان درگاه والا پذیرفته و

تصمیم طبع زاد خاص با فی نجم الدوله
 محمد اسد آمد خان سبحان دوران
 شنبه فرمودند که این اشعار در زشار
 درین سفته بهمن تاریخ درج اخبار
 کرد تا که ناظرین بمباینه اش مخطوطه
 بعده زیب اراقی محل خاص شتند
 نصف النهار تکام لذت بخش خوان
 شده قبلوله گاه اراکین با دای گاه
 بشن و دیگر اشغال و نشین عصر خود
 اخسین بهار متوجه سیر باز ابر
 کرده و نظارت خان را در ارض
 بولانا تته و دیگر اراکین بشرف محو
 داخل شتبان اقبال شنبه شام گاه
 حسب معمول احترام الله بهادر
 را یاد فرمودند فقط ...

یوم پنجشنبه دوازدهم

با دادان مادی نماز وقتی احترام الله
 را به بنص سفسس فایز کرده مگر
 همانجا جلوه انداختند حضرت اداب کوسر

روزی افروز محل والاشد نه فقط

یوم جمعیه دهم

مادامی سنن و فرضیه یوم او نیه حرم
 الدوله بهادر را بر بنفش کشا سنی ممتاز
 نموده جلوه افروز در بار جهاندار
 شدند و حضار عقیدت شفا داد
 و کورنش مودا ساخته لفل صابا
 استبانده بعد شنیدن غزل طبع زار
 خاص سیف الدوله و کبیل در بار
 معروض داشتند که از المکاران
 تو شکنی نه اصل فرد که دران نام حسن
 عینان بدر ولایت علیان مندرج
 است مع نقل دستخطی خاص مرحمت
 شود بر طبق ان به بکنه لال المکار
 بنا را آوردن فردا بیا رفت چنانچه
 نامه را به سمان وقت اصل فردا خط
 والا در آورد از شکاه حضور اصل
 مع نقل دستخطی صاد خاص برای
 معاینه امین الدوله حواله و کبیل مردم
 کردید بر وقت طلبیدن معین الدوله بهادر

بجا آورده دست سبته استادند بعد
 شنودن غزل طبع زار خاص زبانی
 نجم الدوله محمد اسد الدوله خان سبحان
 دوران اداب و کورنش بهادران
 پذیرفتند و قطعه عرضی امین الدوله
 بهادر مقدمه و لیلجه می در مثنوی سوزنا
 طاشس کاوندس فنک بهادر مختار کار
 حمله آری عفت و کرم ملکه نه مانی نواب
 رشیت محل بکم و قره باصره خلافت
 غره ناصیه جلالت مرزا محمد جوخت
 بهادر سیف الدوله و کبیل سلطانی

توساطت در بار بیان شعبه دومی
 حاضر اندرون محل حضور بنفش
 کنجور ارسال آنصفت النهار بنگام
 نعمت برای مایه طعام گشته
 قلموله گاه استند با در
 نماز سبته و دیگر اشغال نشین
 عصر خواننده اخرین نماز معروض
 حضور می تو نوزک رکات و عمده عقیده
 تاب بر آمده و اقترام الدوله بهادر
 را به بنفش مبارک ممتاز نموده باز

جلوه فرمای اندرون محل خاص
 گشتند مکه شستن آداب و کوشش بخت
 بهادر و قلعه بهادر زبانی حمید و
 حیدر ابراهیمی دعا فرموده نصف
 النهار تکلم نعمت برای مایه طعام
 شده قبله گاه را استغناء مایه
 بشستن و دیگر اشغال نشستن
 در بیان فرمان رفت که حکمت بنا
 حاضر آورد جانچه همان وقت
 شرف نبض شناسی بوست
 آخرین نهار بجنوری نظارت خان
 و دیگر اراکین و نشان جلوه افرو
 فضایی سلیم گده گشته شام گاه
 داخل کاخانه اقبال کردند
 و همین وقت ملاحظه چند قطعات
 جب العراض استغنت بهادر و
 مگر مع نقل صورت حال عدالت و
 و پنج ص و مقدمه سمات مانو عمیه
 و همیشه شاه مدعی علیه مع نقل بند
 سوال موسوسه بر خوردار کار
 نامه مزار محمد بهیر الله بن بخت بهادر

به درخواست صدر حکم والا نام -
 کار گذاران خلافت جهت نویسی
 جواب بند سوالات مزار محمد و
 و دویمی مع نقل عرض احمد علی
 سرکار متعینه عدالت دیوانه
 صدر الکره مقیده نادر محل حکم
 ایملات و کار برداران سدف
 باسند عای صدر و حکم والا
 بنام کار گذاران خلافت برای
 جوابه ای و بروی مقدمه مذکور
 سویمی مع نقل رو بکار کجری کلتر
 ضلع مرتبه باسند عای در یافت نظر
 جمع موضع مشور علقه بتول مع
 و عز الهی یا قین ایزان و چهارمی
 مع نقل رو بکار رشته ترسیم کواقد
 بند و سبت ضلع مرتبه مشور خلافت
 بودن در تعداد جمع موضع هر الم
 مرسله کار برداران خسروی و صدر
 حکم از حقیقت حال مفصلش فرمود
 که جواب مقدمه نادر محل از عفت
 جلوه طراز خواهد پوشید و تحریر بند سوال

مرزا ظفر الدین ببادشاه معرفت میر علی
بادشاه حسب سر شکر کرد و
مفید به جمع بندی موضع اراک و
موضع مشرف رسول والا لغه تحقیق
عراحت و حوائد پایت فقط

تتمه ای بر سنون علی بن ابی طالب
تتمه ای بر سنون علی بن ابی طالب

بجای غمسی جان پانی اسد تمهائی نام و زبان پانی اسد

توضیح

بجای غمسی جان پانی اسد
بجای غمسی جان پانی اسد
بجای غمسی جان پانی اسد
بجای غمسی جان پانی اسد

بجای غمسی جان پانی اسد
بجای غمسی جان پانی اسد
بجای غمسی جان پانی اسد
بجای غمسی جان پانی اسد

بجای غمسی جان پانی اسد
بجای غمسی جان پانی اسد
بجای غمسی جان پانی اسد
بجای غمسی جان پانی اسد

بجای غمسی جان پانی اسد
بجای غمسی جان پانی اسد
بجای غمسی جان پانی اسد
بجای غمسی جان پانی اسد

تہا کی مہر کی راتیں زبیر نے لکھی

تو تم کو تنہی کیا فلک بوز فوج

بچاؤ ہمیشی جان یا نبی امہ تمہارا نام کی قربا یا نبی امہ

کہاں کہہ سکتے ہیں تم کو جہاں جہاں

بچاؤ ہمیشی جان یا نبی امہ تمہارا نام کی قربا یا نبی امہ

تہا کی مہر کی راتیں زبیر نے لکھی

تو تم کو تنہی کیا فلک بوز فوج

بچاؤ ہمیشی جان یا نبی امہ تمہارا نام کی قربا یا نبی امہ

کہاں کہہ سکتے ہیں تم کو جہاں جہاں

بچاؤ ہمیشی جان یا نبی امہ تمہارا نام کی قربا یا نبی امہ

در مطبع سدا بقالب طبع دار